



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ آبان ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۶ صفر ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مسئله شانزدهم - ادله قول به عدم وجوب خمس در عینی که از محل حاجت خارج شده

جلسه: ۲۱

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین واللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث پیرامون تعلق خمس یا عدم تعلق خمس به عینی بود که از محل ریج خریداری شده و مدتی هم از آن استفاده شده لکن از محل حاجت خارج شده است. عرض شد عده‌ای قائل به عدم وجوب خمس در این عین بعد از خروج از محل حاجت هستند. همچنین عرض شد برای عدم وجوب خمس به چند وجه می‌توان استدلال کرد. دلیل اول و دوم ذکر شد؛ دلیل دوم این بود که دلیل استثناء مؤونه اطلاق زمانی دارد. «الخمس بعد المؤونه» دلالت بر خروج مؤونه از دائره تعلق خمس دارد، لکن این تخصیص، تخصیص افرادی است. اما از حیث زمانی اطلاق دارد به این معنا که مؤونه خارج شده از حکم وجوب خمس اعم از این است که برای سال های بعد باقی بماند یا نماند. همین که در یک مقطعی مؤونه بود، این باعث می‌شود خمس به آن تعلق نگیرد، ولو اینکه بعداً از عنوان مؤونه السنة خارج شود. عرض شد دو اشکال متوجه این دلیل شده؛ اشکال اول به همراه پاسخ آن در جلسه گذشته عرض شد و معلوم شد که اشکال اول وارد نیست.

اشکال دوم

اشکال دوم این است که آنچه از دلیل استثناء بدست می‌آید خروج مقدار مؤونه از موضوع خمس است، «لا خمس الا بعد المؤونه» یا «الخمس بعد المؤونه» دلالت می‌کند بر اینکه به مقدار مؤونه از موضوع خمس خارج می‌شود و نه بیشتر. اگر مفاد دلیل استثناء این باشد که فقط مقدار مؤونه را از موضوع دلیل خمس خارج بدانیم، بنابراین زمانی که از محل حاجت خارج می‌شود، دیگر مشمول دلیل استثناء نیست. به عبارت دیگر در اینجا اطلاق زمانی وجود ندارد؛ دلیل استثناء فقط می‌گوید «مؤونه السنة» آن هم یک سال، «مؤونه السنة الواحدة» از تحت يجب الخمس خارج شده است؛ لذا اگر در سال بعد این عین، مؤونه نباشد (مورد نیاز نباشد)، طبیعتاً دلیل وجوب خمس شامل آن می‌شود و باید خمس آن داده شود. پس اساس اشکال مستشکل انکار اطلاق زمانی است و می‌گوید مجموع دلیل خمس و دلیل استثناء را که نگاه می‌کنیم یعنی کانه گفته «يجب الخمس الا فی المؤونه»؛ این مؤونه که از دایره وجوب خمس خارج شده است؛ «مطلق المؤونه فی هذا السنة و فی السنة اللاحقه ولو خرجت عن عنوان المؤونه و عن محل الحاجة» نیست. آنچه که در اینجا خارج شده مقدار مؤونه سنه است، آن هم در همان سالی که این ریج در آن واقع شده است. بیشتر از این از دلیل استثناء فهمیده نمی‌شود.^۱

^۱ کتاب الخمس (آقای شاهرودی)، ج ۲، ص ۲۷۱.

بررسی اشکال دوم

اولاً: به نظر ما این اشکال وارد نیست. باید دید چه مانعی از تمسک به اطلاق زمانی وجود دارد؟ اگر قیدی (حالی یا مقالی) در دلیل باشد، می‌توان گفت این دلیل اطلاق ندارد. و الا اگر قیدی نباشد و امکان آوردن قید بوده و نیاورده‌اند و در مقام بیان هم بوده‌اند، قهراً اینجا استفاده اطلاق می‌شود.

عرض شد آنچه که از دایره دلیل «يجب الخمس في مطلق الفائدة» خارج می‌شود، چیزهایی هستند که صدق عنوان مؤونه بر آنها شود. این یعنی تخصیص افرادی؛ یعنی مرحوم آقای حکیم این را می‌خواهد بگوید که افراد و مصادیق مؤونه از دایره دلیل وجوب خمس خارج هستند. حال آیا این افراد و مصادیقی که از دایره حکم وجوب خمس خارج می‌شوند، مقید به زمان خاصی هستند؟ مقید به یک حال خاصی هستند؟ عرض شد «مؤونة السنة» از دلیل وجوب خمس خارج می‌شود اما این دلیل نسبت به احوال و ازمان اطلاق دارد. اگر قیدی داشتیم که مانع این اطلاق نسبت به احوال و ازمان دیگر بود، می‌پذیرفتیم ولی قیدی نیست و هیچ مانع دیگری هم اینجا بر سر راه اطلاق زمانی وجود ندارد. ایشان می‌گویند اگر دلیل استثناء به همان لسانی که خمس در آن وارد شد (لسانی که خمس را در غیر مؤونه واجب کرده، اگر به همان لسان در مورد مؤونه هم وارد می‌شد)، وارد شده بود، می‌توانستیم اطلاق زمانی را بپذیریم ولی این به لسان دیگری وارد شده است. «من بعد المؤونه» ذکر شده است که به نظر ایشان کانه قرینیت دارد بر اینکه اینجا اطلاق زمانی نیست. «من بعد المؤونه» یعنی اگر مؤونه باشد، خمس ندارد اما بعد از مؤونه، خمس دارد. به نظر ایشان «من بعد المؤونه» مانع اطلاق زمانی است در حالی که واقعاً به نظر نمی‌آید که «من بعد المؤونه» قرینیت داشته باشد. «الخمس بعد المؤونه» یعنی در آن سالی که ربح حاصل شده، مؤونه‌هایی هم بوده و بعد از آن مؤونه‌ای که در آن سال واقع شده، خمس واجب می‌شود؛ اعم از اینکه در سال بعد هم مؤونه باشد یا نباشد.

پس نمی‌توان گفت که «من بعد المؤونه» یعنی تا زمانی که مؤونه است خمس ندارد اما بعد از آن که مؤونه بودن خارج شد، آنوقت خمس دارد.

سوال:

استاد: اطلاق زمانی که می‌گوییم یعنی چه؟ شما می‌گویید همین قید سنه که در هر حال همه قبول داریم که خمس به مؤونه سنه تعلق گرفته یعنی بعد از مؤونه هست. این مؤونة السنة بر این عین که تا یک سال مورد استفاده بوده منطبق است. اما نسبت به بعد از آن چه؟ آیا این دلیل نسبت به بعد از آن هم می‌گوید باز هم خمس دارد؟ این مؤونة السنة برای امسال که خمس ندارد، سال بعد به چه دلیل خمس داشته باشد؟ با فرض اینکه اطلاق زمانی نداشته باشیم. ما الان می‌گوییم الخمس بعد المؤونه، این کلمه بعد المؤونه قرینیتی برای تقیید ندارد.

سؤال:

استاد: فرع سوم را بحث می‌کنیم، اصلاً موضوع بحث ما فرع سوم است. آن خروج فی اثناء السنة یک مسئله دیگری است که بعداً به آن رسیدگی می‌کنیم. فرض این است که شما یک سال استفاده کرده‌ای، چون آن خودش فروض متعدد دارد، خروج از محل حاجت یک وقت ممکن است وسط سال باشد یا بعد از سال باشد، مرحوم آقای حکیم که می‌گوید اینجا

خمس واجب نیست و دلیل می آورد، می گوید بله! اگر وسط سال خارج شود. یک استدرافی ما از ایشان ذکر کردیم. شما اصلاً فرض را ببرید جایی که خروج از محل حاجت مربوط به سال آینده باشد. چون ما کلی داریم بحث می کنیم حالا خروج از محل حاجت فی اثناء السنة آن موضوعی است که ما بعداً به آن رسیدگی می کنیم. پس محصل اشکال دوم در حقیقت این بود که در دلیل استثناء اطلاق زمانی وجود ندارد چون لسان دلیل استثناء، لسانی است که کلمه «من بعد المؤمن» در آن است و «من بعد المؤمن» مانع انعقاد اطلاق زمانی است. عرض کردیم به نظر ما هیچ قرینیتی بر تقیید و مانعیتی در مقابل انعقاد اطلاق زمانی ندارد.

ثانیاً: لو سلم که دلیل استثناء، ظهور در خروج مقدار مؤونه از موضوع خمس دارد، باز هم این ضرری به اطلاق نمی زند. ایشان فرمود ظاهر دلیل استثناء این است که مقدار مؤونه از موضوع خمس خارج شده؛ اما نسبت به سال بعد (هذه السنة) چگونه است؟ نسبت به سنین حاله چگونه است؟ مهم این است که الان «یصدق علیه عنوان المؤمن»، «یصدق علیه عنوان مؤونة السنة»، به همین دلیل از دائره دلیل خمس خارج می شود. دیگر نسبت به ما بعد، یعنی «بقی العنوان ام انتفی العنوان» این دلیل اطلاق دارد؛ مانعی هم در برابر این اطلاق نیست.

دلیل سوم (محقق حکیم)

دلیل سوم هم دلیلی است که مرحوم آقای حکیم ذکر کرده است. به تفاوت های این ادله دقت بفرمایید! دلیل سوم بر این فرض استوار است که سلمنا بپذیریم اطلاق زمانی در دلیل استثناء وجود ندارد؛ اگر اطلاق زمانی بود با همان بیانی که در دلیل دوم گفته شد، اثبات می شد که عینی که از محل حاجت خارج شده خمس ندارد. اما همانگونه که عده ای گفته اند، این اطلاق زمانی منعقد نمی شود. لکن اگر در دلیل استثناء اطلاق زمانی نباشد، در دلیل خمس هم اطلاق زمانی نیست تا ما بخواهیم به آن رجوع کنیم و به واسطه آن خمس را واجب کنیم.

ایشان می فرماید دلیل خمس مختص به فائده هر سال است. دلیلی که خمس را در هر سال نسبت به ارباح واجب می کند، مختص به فائده همان سال است. «الخمس واجبٌ فی مطلق الفائدة» در حقیقت می خواهد بگوید «الخمس واجبٌ فی فائدة السنة فی کل عام». و الا به نحو مطلق که نمی گوید خمس فائده واجب است. این مطلب هم در واقع از ادله ای همانند صحیح علی بن مهزیار که مکرراً اینجا نقل شده استفاده می شود:

« فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ »؛ غنائم و فوائدها واجب هستند بر او در هر سال. این روایت قید «فی کل عام» دارد لذا ظهور دارد در اینکه خمس در هر سال مختص به فائده های همان سال است. با توجه به این مسئله باید دید که اعیانی که در یک سال مورد استفاده قرار گرفته و بعد از محل حاجت خارج شده اند در دائره دلیل خمس قرار می گیرند یا در دائره دلیل استثناء؟ دلیل عام یا دلیل استثناء؟ اگر در دائره دلیل خمس قرار بگیرند، وجوب خمس ثابت می شود و اگر در دائره دلیل استثناء قرار بگیرند، خمس واجب نیست. وقتی یکسال، بر این اعیان می گذرد هر چند عنوان «مؤونة السنة» بر آنها منطبق نیست زیرا این ها مؤونه سال گذشته بودند، لکن وقتی در سال جدید می رویم، دیگر دلیل خمس نمی تواند شامل اینها شود چون «مؤونة سنة الخمس» نیستند. گفته شد خمس در هر سال مربوط به فوائده آن سال است، مگر اینکه صرف مؤونه شود، خب این عین که تا یک سال استفاده شد و در سال دوم از محل حاجت خارج شد،

درست است که عنوان «مؤونة السنة» بر آن منطبق نیست زیرا این مؤونه سال قبل بوده ولی الان مؤونة السنة نیست، مؤونة السنة السابقة نیست، در سال دوم که گذشته و دیگر استفاده نمی‌کنند از آن. الان به چه جهت دلیل خمس شامل آن شود؟ آیا «بعده ربحاً جدیداً» آیا این از فوائد و ارباح سال دوم است تا دلیل خمس شامل آن شود؟ دلیل خمس اگر بخواهد شامل این عینی که از محل حاجت خارج شده، بشود ما باید یک عنوانی برای آن درست کنیم، يجب الخمس فی کل فائدة شامل این فرشی که سال گذشته از پول سود کسب و کارش خریده، نمی‌شود چون سال گذشته «مؤونة السنة» بود؛ شما می‌خواهید این يجب الخمس را امسال برای سال دوم شامل این عین کنید چون از محل حاجت خارج شده و دیگر مؤونه نیست، اشکال همین جا است. دلیل «يجب الخمس» اطلاق ندارد که بخواهد شامل این عین خارج شده از محل حاجت شود، چون این عین هر چند مؤونة السنة نیست و از عنوان مؤونة السنة خارج شده ولی فائده و ربح سال دوم هم محسوب نمی‌شود تا به عنوان فائده بودن و ربح بودن آن دلیل شامل آن شود. آن دلیل می‌گوید در فوائد خمس واجب است. آیا این فرش بعد از خروج از محل حاجت در سال دوم عنوان فائده پیدا می‌کند؟ عنوان ربح پیدا می‌کند؟ این «لا یعد فائدة و لاریحاً» تا بخواهیم بگوییم خمس در آن واجب است. اگر بخواهد دلیل خمس شامل این مؤونه ای که از محل حاجت خارج شده، بشود این مبتنی بر این است که بگوییم دلیل خمس اطلاق زمانی دارد. یعنی دلیل خمس می‌گوید «الخمس ثابت فی کل فائدة فی هذه السنة و فی السنین اللاحقه» تا شامل این شود. در حالی که این اطلاق زمانی در دلیل خمس نیست^۱.

نتیجه اینکه تا اینجا با این بیان مرحوم آقای حکیم معلوم می‌شود خمس در عینی که از محل حاجت خارج شده واجب نیست.

بررسی دلیل سوم

آقای شاهرودی سه اشکال بر این دلیل کرده‌اند که به نظر ما هیچ کدام وارد نیست؛ از این سه اشکال دو تا از آنها مهم نیست ولی عمده یک اشکال است که باید به آن توجه شود.

اشکال اول

اولاً صحیحه علی بن مهزیار اساساً دلالت بر اختصاص خمس در هر سال به فائده آن سال ندارد. این قید فی کل عام که در صحیحه علی بن مهزیار ذکر شده است، اصلاً به موضوع خمس ارتباط ندارد. این در واقع در مقابل خمسی است که امام در مورد ذهب و فضا در آن سال قرار داده بودند. پس ایشان می‌خواهد بگوید که این صحیحه دلالت بر اینکه خمس هر سال مختص به فائده آن سال است، نمی‌کند.

بررسی اشکال اول

این اشکال به نظر ما وارد نیست، ما قبلاً هم در مورد ظهور این صحیحه بحث کردیم، به نظر ما این روایت دلالت می‌کند بر اختصاص خمس هر سال به فائده آن سال. این یک مطلبی است که به هر حال به استظهار از این روایت برمی‌گردد.

^۱. مستمسک العروه، ج ۹، ص ۵۴۴.

اشکال دوم

نهایتاً ما اگر کوتاه بیاییم و دلالت این صحیحه را بپذیریم و بگوییم این صحیحه ظاهرش همان است که مرحوم آقای حکیم می‌گوید، لکن سایر ادله خمس اطلاق دارد، حالا این دلیل به خصوص اطلاق زمانی نداشته باشد اما سایر ادله خمس اطلاق دارد. یعنی ادله خمس دلالت می‌کند بر ثبوت خمس در مطلق فائده، چه الان فائده باشد و صرف مؤونه شده باشد که این خمس ندارد ولی اگر بعداً هم فائده شد باز هم متعلق خمس است. ایشان می‌گویند سایر ادله خمس اطلاق دارد.

بررسی اشکال دوم

این هم محل اشکال است، مرحوم آقای حکیم فقط به این دلیل نخواستند استناد کنند؛ ایشان عقیده‌اش این است که ادله خمس که یکی از آن صحیحه بن مهزیار است، هیچ کدام اطلاق زمانی ندارند یعنی دلالت می‌کنند بر اختصاص خمس در هر سال به فائده آن سال. این دو اشکال ایشان خیلی مهم نیست، هر چند به نظر ما وارد هم نیست. عمده یک اشکال دیگری است که ایشان در این مقام به آقای حکیم کرده که از اساس به نظر ما این اشکال هم وارد نیست. **بحث جلسه آینده:** یک تأملی در دلیل سومی که آقای حکیم گفته‌اند بفرمایید، اشکال ایشان را هم ملاحظه بفرمایید تا من عرض کنم چرا این اشکال وارد نیست.

«الحمد لله رب العالمین»